

نگذاریم سخن بگویند!



« احمد شریف پور

با یک پرسش ساده روبه‌رو هستیم: آیا ماشین‌ها سخن می‌گویند؟ در جهانی که ما بسیاری از محاسبات و کارهای روزمره‌مان را به کامپیوترها محول کرده‌ایم، آیا نتایجی که از کامپیوترها دریافت می‌کنیم و آنچه بر صفحه نمایش ما نقش می‌بندد، مصداق «سخن گفتن» یا به عبارتی دقیق‌تر یک «بیان» است؟ این موضوع مقاله‌ای بود که به تازگی به قلم تیم وو (Tim Wu) در نیویورک تایمز مطالعه کردم.

بگذارید با مثالی واضح‌تر ادامه دهیم. زمانی که با سیستم مسیریابی پیچ به پیچ تلفن همراهتان از منزل به محل کار می‌روید، راهنمایی‌های تصویری یا صوتی تلفن شما مصداق یک «بیان» است؟ آیا زمانی که کامپیوترهای فیس‌بوک تصمیم می‌گیرند درباره‌ی علایق و خصوصیات و به صورت کلی اطلاعات شخصی شما با دیگران صحبت کنند، با مصداق دیگری از «بیان» روبه‌رو هستیم؟ و اگر این طور است، آیا این بیان‌ها باید براساس «حق آزادی بیان» حمایت شوند؟

نخستین نشانه‌های چنین برداشتی به سال ۲۰۰۳ باز می‌گردد. در این سال، یک شرکت به دلیل رتبه پایینی که در نتایج موتور جست‌وجوی گوگل کسب کرده بود از گوگل شکایت کرد. این شرکت مدعی بود که گوگل با توجه به قدرتی که به واسطه انحصار بازار در اختیار دارد، با حذف یا کاهش رتبه شرکت‌های کوچک در نتایج جست‌وجو، آن‌ها را از دور خارج می‌کند. در این زمان گوگل در دادگاه مدعی شد که نتایج جست‌وجو در واقع «سخن» کامپیوترهای گوگل است که پس از «تفکر» (یا در نظر بگیریم محاسبه)، بیان شده‌اند و بنابراین طبق قانون از مصونیت کامل برخوردارند. جالب‌تر، این است که در رأی دادگاه که به صورت علنی اعلام نشد، گوگل برنده این دعوا شناخته شد. اما قضیه به همین جا ختم نشده است. با افزایش یافتن موارد این‌چنینی

و پیچیده‌تر شدن مسائل حقوقی که گوگل با آن‌ها روبه‌رو می‌شود، این شرکت با سرمایه‌گذاری هنگفتی و با استخدام وکلای کارکشته و حقوق‌دانان برجسته قصد دارد این ادعا را به قانون تبدیل کرده و حق آزادی بیان را برای کامپیوترهایش به چنگ آورد. از دید کسانی مانند اوژن ولوخ (Eugene Volokh)، استاد حقوق دانشگاه کالیفرنیا و مشاور حقوقی گوگل، موتورهای جست‌وجویی مانند بینگ و گوگل و یاهو سخن می‌گویند! درست همان‌گونه که مثلاً نویسنده بخش پژوهاک ماهنامه، با مشاهده پرسش‌های خوانندگان و انجام تحلیل‌های ذهنی، تصمیم می‌گیرد که به پرسش‌های خوانندگان چه پاسخی بدهد، کامپیوترهای گوگل هم با تحلیل پرسش شما به آن پاسخ می‌دهند. اگرچه از دیدی ساده، این حرف ممکن است درست باشد، اما دقت در قضیه و به خصوص نتایج آن، مشخص خواهد کرد که مسئله چندان هم ساده و از همه مهم‌تر بی‌خطر نیست.

نخست این‌که در صورت پذیرش چنین ادعایی و قائل شدن حق بیان برای سیستم‌ها، باید از تصور بنیادین و اساسی درست بودن نتایج محاسبات کامپیوترها دست بکشیم. این موضوع ممکن است در جزئیاتی بسیار ریز خودنمایی کند یا در مقیاسی بسیار کلان ظاهر شود. مثلاً تا قلب تراشه اینتلی سیستم شما پیش برود و اگر این تراشه به هر دلیلی نتیجه جمع ۲ با ۲ را ۱۵ اعلام کرد، شما حق اعتراض نخواهید داشت؛ چرا که او نظرش را بیان کرده است! یا از سوی دیگر، شاید به نتیجه محاسبات سرورهای بی‌شمار گوگل تصمیم یابد و پاسخی که شما از یک پرس‌وجو دریافت می‌کنید، به جای نتایج منطقی، حاوی لینک شرکت‌هایی باشد که پول بیشتری برای تبلیغات به گوگل پرداخت کرده‌اند. در این صورت آیا دولت‌ها و نهادهای مسئول می‌توانند برای دفاع از حقوق مصرف‌کنندگان یا تولیدکنندگان، این آزادی بیان را محدود کنند؟

مشکل دوم این است که باید ریشه قائل شدن چنین حقی برای کامپیوترها را بررسی کنیم. آیا تنها به واسطه تولید یک «نتیجه» پس از پردازش یا حتی تبدیل این نتایج به گفتار و زبان انسانی، کامپیوترها شایسته چنین حقی هستند؟ آیا سیستم‌ها همانند انسان «می‌اندیشند» و «تصمیم می‌گیرند»؟ آیا این حق براساس یک توارث دیجیتال به آن‌ها می‌رسد؟ به این معنی که با در نظر گرفتن یک برنامه‌نویس به عنوان کسی که حق آزادی بیان دارد، آیا باید بپذیریم که برنامه‌های نوشته شده توسط او هم از چنین حقی برخوردارند؟ در این صورت تکلیف بدافزارها و ویروس‌ها و برنامه‌های ناکارآمد چه می‌شود؟

مهم‌ترین موضوعی که باید به آن توجه داشت، این است که حق آزادی بیان در درجه نخست برای انسان وضع شده است و قائل شدن این حق برای هر موجود یا سیستم دیگری باید در درجه دوم اهمیت قرار گرفته و با نگاه به تاثیرات و نتایج آن در زندگی بشر بررسی شود. نکته دیگری که باید در تکمیل عبارت قبل گفته شود، این است که به احتمال زیاد شما نیز هم‌اکنون؛ یا در نهایت پس از مطالعه پرونده ویژه این شماره، با من هم عقیده خواهید بود که ماشین‌ها هنوز تا رسیدن به تفکر انسانی و دستیابی به هوشی مانند نوع بشر، راه درازی در پیش دارند. راهی که به نظر می‌رسد پیمودن آن چندان هم الزامی نیست. به همین دلیل حتی فعالان این عرصه نیز از تلاش برای ساخت کامپیوترهایی که از همه جهات رفتار انسانی را شبیه‌سازی کنند، دست کشیده و بر بهبود آن‌ها در حوزه‌های خاص تمرکز کرده‌اند. به این ترتیب به نظر می‌رسد باید حساب تمام انواع و اقسام تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب‌های خودکار و غیرانسانی را از حساب و کتاب رفتارهای انسانی و حقوق بشر جدا کرد. شاید در مورد کامپیوترها بهتر باشد که نگذاریم سخن بگویند!